



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۵/۲۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## نیل به اهداف آموزشی با تقویت سواد رسانه ای در معلمان

رباب سقندل اصل<sup>۱</sup>، مریم تاری وردی<sup>۲</sup>، مجتبی افشار<sup>۳</sup>، عبدالقیوم برم<sup>۴</sup>

۱- کاردانی جغرافیا دانشگاه آزاد اهر

۲- کارشناسی حسابداری دانشگاه پیام نور حسن آباد فشافویه

۳- کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات دانشگاه علمی کاربردی صنایع ایران

۴- کارشناسی فناوری اطلاعات دانشگاه علمی کاربردی چابهار

### چکیده

امروزه آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، رسمی و یا غیر رسمی افزایش یافته است، و اگرچه هنوز به نسبت کم است، تعداد رو به رشدی از برنامه‌های مبتنی بر محتوای درسی در سطوح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در حال اجرا است. کار بر روی برنامه‌های درسی به تنهایی برای اصلاح آموزش راهبردی کافی نیست. تجهیز مدارس به وسایل و امکانات آموزشی و فناوری لازم و همچنین ارائه آموزش‌های حرفه‌ای برای مربیان اهمیت زیادی دارد. بررسی نحوه رویکرد معلمان به آموزش سواد رسانه‌ای، با تمرکز بر میزان تمایل آنها، شیوه‌های کلاس سواد رسانه‌ای، و نتایج مورد انتظار آنها بسیار حائز اهمیت است و بیانگر این مهم می‌باشد که معلمان از نقش مهم ادغام سواد رسانه‌ای به عنوان یک جزء در سیستم مدرسه حمایت می‌کنند. مقاله پیش رو به بررسی رویکردهای حال حاضر در میزان اهمیت سواد رسانه‌ای معلمان در سیستم‌های آموزشی، روش‌های سنجش آن و بررسی نحوه استفاده از آن در فرایندهای آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان مقاطع مختلف می‌پردازد.

**کلمات کلیدی:** رسانه، سواد رسانه‌ای، ارتباطات، نظام آموزشی، معلمان



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

امروزه رسانه‌ها با استفاده از ترکیب قدرتمندی از کلمات، تصاویر و صداها با ما ارتباط برقرار می‌کنند، درک پیام‌های متنوع آنها مستلزم ایجاد و تقویت مجموعه وسیع تری از سواد است. این مجموعه بزرگ سواد رسانه‌ای نام دارد که می‌توان از آن برای تصمیم‌گیری بهتر استفاده کرد (محب زاده و همکاران، ۲۰۲۰). مریدان دیدگاه‌های گوناگون و متناقضی در مورد رسانه‌های جمعی دارند. بیشتر آنها رابطه پیچیده و چند بعدی با رسانه‌های جمعی دارند که شیوه‌های آموزشی آنها را در کلاس درس تحت تاثیر قرار می‌دهد (Gainer، ۲۰۱۰). به دلیل این تنوع، رویکردهای مختلفی به سواد رسانه‌ای ظهور می‌کند، زیرا مریدان شیوه‌های آموزشی تحلیل رسانه‌ای و تولید رسانه مختلفی را به دانش‌آموزان ارائه می‌کنند. امروزه آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، رسمی و یا غیر رسمی افزایش یافته است، و اگرچه هنوز به نسبت کم است، تعداد رو به رشدی از برنامه‌های مبتنی بر محتوای درسی در سطوح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در حال اجرا است. این پیشرفت قابل توجه در ارائه مفاهیم سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان به این دلیل بوده است که مریدان مفاهیم کلیدی را توسعه داده‌اند. این ایده که رسانه‌ها همه جا حاضر هستند و در زندگی بشر فراگیر هستند، دهه هاست که یک واقعیت پذیرفته شده است. رسانه‌ها در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی در حال رشد هستند. با سرعت فزاینده‌ای، در فرهنگ‌ها نفوذ می‌کند و مردم را در انبوهی از اطلاعات غرق می‌کند. در سرتاسر جهان، توده‌ها به طور فزاینده‌ای تحت تاثیر تعداد نامحدود پیام‌هایی که از سکوهای رسانه‌ای مختلف می‌آیند، قرار می‌گیرند (McDougall و همکاران، ۲۰۱۸). رسانه‌ها به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان به‌عنوان حوزه‌ای پرخطر تلقی می‌شوند که در صورت انتقال مفاهیم ناثواب می‌توانند منجر به گسترش بزهکاری و خشونت، تضعیف هنجارهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی و پرورش برخی ایدئولوژی‌های ناپسند مانند مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی گردند. رسانه‌های جدید و بالاخص فضای مجازی به کاربران اجازه می‌دهد تا دسترسی آزاد و بدون سانسور در معرض محتوای حاوی پیام‌های نامناسب و حتی مخرب قرار داشته باشند (Kupersmidt و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، برای همه دست‌اندرکاران تربیت از جمله والدین، مریدان، معلمان و همچنین سیاست‌گذاران و گروه‌های عمومی ضروری است که ارتباط بین رسانه‌ها و کاربران جوان را در نظر بگیرند.

محققان و مریدان رسانه بر لزوم آماده‌سازی و توانمندسازی نسل‌های جدید برای مشارکت در محیط رسانه‌ای به‌عنوان مصرف‌کنندگان انتقادی و تولیدکنندگان فعال توافق دارند (Buckingham، ۲۰۰۳). برخی محققان ادعا می‌کنند که چشم‌انداز رسانه‌ای فعلی نیاز فوری به توسعه آموزش‌های سیستماتیک آموزش و یادگیری در مورد رسانه‌ها را تقویت می‌کند. ایشان همچنین توضیح می‌دهند که آموزش سواد رسانه‌ای برای پرداختن به تجربیات پیچیده رسانه‌ای که بخشی از زندگی روزمره هستند، به شیوه‌ای منطقی‌تر و ادراکی‌تر عمل می‌کند. اجرای سواد رسانه‌ای در سرتاسر برنامه درسی مدرسه، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا راه‌های مختلفی را درک کنند که رسانه‌ها از طریق آنها گفتمان خود را در مورد موضوعات مختلف محدود و تعریف می‌کنند. محققان تأیید می‌کنند که آموزش سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان را به چالش می‌کشد تا در دریافت پیام‌های رسانه‌ای موضعی انتقادی اتخاذ کنند و آنها را تشویق می‌کند تا از فرصت‌های رسانه‌ای برای مشارکت دموکراتیک و شهروندی استفاده کنند (Buckingham، ۲۰۰۳).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

طبق سند تحول آموزش و پرورش، برنامه‌های درسی آموزشی باید با در نظر گرفتن استانداردهای جهانی، به‌ویژه با اشاره به نقش فناوری و تأیید آن در سیستم‌های مدرسه به‌روزرسانی و ارزیابی شوند (Jenkins, ۲۰۰۹). کار بر روی برنامه‌های درسی به تنهایی برای اصلاح آموزش راهبردی کافی نیست. تجهیز مدارس به وسایل و امکانات آموزشی و فناوری لازم و همچنین ارائه آموزش‌های حرفه‌ای برای مربیان اهمیت زیادی دارد (سند تحول آموزش و پرورش). در حقیقت، اتخاذ آموزش سواد رسانه‌ای در شیوه‌های کلاسی مستلزم تجارب توسعه حرفه‌ای به منظور افزایش علاقه، اطمینان، تمایل و انگیزه معلمان است (Scheibe و همکاران، ۲۰۰۸). به طور کلی، وظیفه تحقیق در مورد آموزش سواد رسانه‌ای در کلاس درس توسط تعدادی از عوامل خارجی، مانند ارائه ناکافی منابع، خدمات، و پشتیبانی حرفه‌ای مانند فقدان طراحی و برنامه ریزی درسی کافی شکل می‌گیرد.

با این وجود، متخصصان سواد رسانه‌ای تأیید می‌کنند که تحقق یک آموزش سواد رسانه‌ای موفق نه تنها یک رشته تکنیک و آموزش است، بلکه با درگیری و انگیزه معلم نیز مرتبط است (Hobbs و همکاران، ۲۰۱۳). علاوه بر این، محققان سواد رسانه‌ای سرمایه گذاری ضعیف در آموزش و آموزش معلمان را به عنوان مشکل دیگری که مانع توسعه برنامه‌های سواد رسانه‌ای در محیط‌های آموزشی می‌شود، بررسی می‌کنند (Gainer, ۲۰۱۰). اگرچه معلمانی که در این مطالعه شرکت کردند نگرش خود را نسبت به نقش برجسته آموزش سواد رسانه‌ای مثبت بیان کردند، بیش از نیمی از آنها اظهار داشتند که سیستم آموزشی آموزش و حمایت آموزشی لازم را برای موفقیت در اختیار آنها قرار نمی‌دهد تا بتوانند آموزش را در تدریس خود بگنجانند (Gainer, ۲۰۱۰).

به طور مشابه، معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه، اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای را می‌دانند و از اهداف و ارزش‌های اصلی آن حمایت می‌کنند. با این وجود، آنها تأیید می‌کنند که فاقد مهارت‌های لازم که به آنها اجازه می‌دهد تا به طور مؤثر این رویکرد را بگنجانند، هستند. شناخت نقش آموزش قبل از خدمت و ضمن خدمت به معلمان کمک می‌کند تا نیازهای خود را درک کنند و مهارت‌های خود را در ارتباط با آموزش دانش‌آموزان خود به نحوه مشارکت مؤثر در فرهنگ رسانه‌ای توسعه دهند. یعنی برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای برای معلمان برای تقویت جنبه‌های خاص مهارت‌های سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان مفید است (Tornero و همکاران، ۲۰۱۰). در نتیجه، بررسی نحوه رویکرد معلمان به آموزش سواد رسانه‌ای، با تمرکز بر میزان تمایل آنها، شیوه‌های کلاس سواد رسانه‌ای، و نتایج مورد انتظار آنها بسیار حائز اهمیت است و بیانگر این مهم می‌باشد که معلمان از نقش مهم ادغام سواد رسانه‌ای به عنوان یک جزء در سیستم مدرسه حمایت می‌کنند.

ادغام سواد رسانه‌ای در بخش‌های آموزش رسمی کشورها به سرعت در سراسر جهان در حال رشد است. با درک کردن نقش مهمی که سواد رسانه‌ای در عصر هزاره ایفا می‌کند، ادارات آموزش و پرورش و مربیان رسانه از سراسر جهان برای بیست و هفت سال تلاش کرده‌اند تا عناصر سواد رسانه‌ای را در چارچوب خود توسعه دهند (Kubey, ۲۰۰۳). این برنامه در بسیاری از نقاط جهان مانند استرالیا، انگلستان، کانادا، روسیه، فرانسه، اسپانیا و ایالات متحده به ارائه برنامه‌های درسی، تحقیقات، استراتژی‌ها و عملکرد اجباری و تدریس می‌شود. ابتکارات بسیاری برای حمایت از آموزش سواد رسانه‌ای در سراسر جهان صورت گرفته است.

بر اساس نظر (Kupersmidt و همکاران، ۲۰۱۰)، منطق اساسی برای ارتقاء سواد رسانه‌ای بر تمایل به دستیابی به طیف وسیعی از اهداف توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استوار است. تا کنون اقدامات قابل توجهی برای توسعه برنامه‌های سواد



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رسانه‌های انجام شده است، مانند معرفی مطالعات رسانه‌ای در دروس مختلف و جای گرفتن درس مخصوص این مفهوم در برنامه درسی وزارتی. علاوه بر این، برخی کشورها، پروژه‌هایی را با هدف تشویق معلمان و دانش‌آموزان به منظور درک بهتر استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) در مدارس ابتدایی و متوسطه راه اندازی شده است. چنین برنامه‌هایی به حوزه سواد رسانه‌ای کمک می‌کنند تا در چارچوب آموزش رسمی و در کل جامعه جایگاهی با اولویت بالا پیدا کند. با این حال، طبق گزارش سازمان ملل متحد (UNAOC)، سواد رسانه‌ای هنوز به طور رسمی در سیستم آموزشی در برخی کشورها ادغام نشده است (۲۰۰۹). در رابطه با آموزش سواد رسانه‌ای، کار نظری و توصیفی بسیار کم است.

## مفاهیم و شیوه‌های موجود

هدف اصلی آموزش سواد رسانه‌ای در بسیاری از کشورها کمک به دانش‌آموزان برای تبدیل شدن به متفکران انتقادی و مخاطبان فعال رسانه است. برای دستیابی به این هدف کلی، اهداف جزئی تدوین شده است. سواد رسانه‌ای یکی از مهارت‌های زبانی و نیز راه جدیدی برای یادگیری و ارتباط با دنیای جدید است. بنابراین به مهارت برنامه ریزی برای تولید پیام توجه ویژه‌ای می‌شود. به علاوه، تقویت روحیه پرسشگری و ابراز عقیده برای برقراری ارتباط موثر و همچنین دسترسی و استفاده از پیام‌های رسانه‌ای بسیار درخور توجه است (Falsafi, ۲۰۱۵). از سوی دیگر، مدیریت بهره‌وری رسانه و روش‌های مصرف، همچنین تفکر بازتابی در مورد مهارت‌ها و استراتژی‌های سواد رسانه‌ای، یعنی نقش فراشناخت و درک مهارت‌های مرتبط یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه است. لذا برای درک کامل مساله لازم است تا مفاهیم موجود در این حوزه و شیوه‌های مطالعه و گسترش آن مورد بررسی قرار گیرد.

## تعریف سواد رسانه‌ای

هنگامی که معلمان از فیلم‌ها، فیلم‌ها، وب سایت‌ها، موسیقی‌های محبوب، روزنامه‌ها و مجلات در کلاس درس استفاده می‌کنند یا زمانی که دانش‌آموزان را در ایجاد تولیدات رسانه‌ای با استفاده از دوربین‌های ویدئویی یا رایانه مشارکت می‌دهند، ممکن است هدفشان برانگیختن علاقه دانش‌آموزان به موضوع و یا ایجاد مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی، تشویق فعالیت‌های سیاسی، یا ارتقای توسعه فردی و اجتماعی باشد. سواد رسانه‌ای اصطلاحی است که برای افراد مختلف - دانش پژوهان، مربیان، فعالان شهروندی و عموم مردم - معانی مختلفی را تداعی می‌کند (Thoman و همکاران، ۲۰۰۳). امروزه رسانه‌ها با استفاده از ترکیب قدرتمندی از کلمات، تصاویر و صداها با ما ارتباط برقرار می‌کنند، درک پیام‌های متنوع آنها مستلزم ایجاد و تقویت مجموعه وسیع تری از سواد است. این مجموعه بزرگ سواد رسانه‌ای نام دارد که می‌توان از آن برای تصمیم‌گیری بهتر استفاده کرد (محب زاده و همکاران، ۲۰۲۰).

به گفته (Jolls, ۲۰۰۸، ص ۲۲)، سواد رسانه‌ای رویکردی آموزشی در قرن بیست و یکم است که چارچوبی برای دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی، ایجاد و مشارکت با استفاده از پیام‌ها به اشکال مختلف را ارائه می‌نماید. از سوی دیگر (Potter, ۲۰۰۸، ص ۲۵) اذعان می‌دارد "سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از دیدگاه‌هایی است که ما فعالان از آنها برای افشای رسانه‌ها برای تفسیر معنای پیام‌هایی که با آنها مواجه می‌شویم، بهره‌برداری می‌کنیم." سواد رسانه‌ای از سوی (Aufderheide, ۱۹۹۷، ص ۱۹۹۷).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ص ۷) به طور کلی به عنوان "توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و برقراری ارتباط پیام‌ها به اشکال مختلف" تعریف می‌شود و (Buckingham, ۲۰۰۳) معتقد است سواد رسانه‌ای هم بر تحلیل رسانه‌ها و هم بر ایجاد آن تأکید دارد.

## رویکردهای رایج در میان معلمان نسبت به سواد رسانه‌ای

اگرچه تعمیم رویکردهای موجود در مورد معلمان فعال در ابعاد مختلف سواد رسانه‌ای دشوار است، دو الگوی کلی مشهود است. یک الگو در معلمانی ظاهر می‌شود که به دنبال توسعه خلاقیت و ابراز خود واقعی در دانش‌آموزان هستند. الگوی دیگری در میان معلمانی یافت می‌شود که در حال بررسی مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌های اجتماعی در جامعه معاصر می‌باشند.

در رویکرد نخست، بسیاری از معلمان، سواد رسانه‌ای را به عنوان یک ابزار آموزشی، صرفاً از تلاش برای برانگیختن توجه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری، به کار می‌برند. آنها با استفاده از مقالات روزنامه، فیلم یا کلیپ‌های ویدئویی برای جلب توجه دانش‌آموزان شروع می‌کنند و به تدریج شروع به ترکیب بحث، تجزیه و تحلیل، نوشتن، یا فعالیت‌های تولید رسانه‌ای برای ترویج تفکر انتقادی می‌کنند (Hobbs, ۲۰۰۴). این معلمان از فرصتی که سواد رسانه‌ای به آنها ارائه می‌دهد با انگیزه کمک به تبدیل فرهنگ کلاس درس و مدرسه به مکانی که صدای دانش‌آموزان در آن ارزش و احترام گذاشته می‌شود، جایی که یادگیری دروس کلاسی با تجربه زندگی دانش‌آموزان پیوند می‌خورد و دانش‌آموزان می‌توانند در آن کمک کنند استفاده می‌کنند. این دسته از معلمان با استفاده از زبان، تصاویر و فناوری چندرسانه‌ای، اعتماد به نفس خود را برای ابراز وجود در اشکال مختلف ایجاد می‌کنند.

گروه دیگر معلمان با احساس ناامیدی یا خشم نسبت به جنبه‌های منفی یا مشکل‌ساز فرهنگ رسانه‌های معاصر، معمولاً خشونت رسانه‌ای، تبلیغات و مادی‌گرایی، کلیشه‌های نژادی یا جنسیتی، یا تمرکز مالکیت رسانه‌ها، شروع می‌کنند. این معلمان هرچه می‌توانند در مورد موضوع یاد می‌گیرند و این اطلاعات را به دانش‌آموزان خود می‌آموزند (AIT, HATTANI, ۲۰۱۹). هنگامی که آنها به تدریج متوجه می‌شوند که سخنرانی و تشویق دانش‌آموزان برای به اشتراک گذاشتن خشم خود، کمک چندانی به تقویت تفکر انتقادی دانش‌آموزان نمی‌کند، ممکن است به دنبال ابزارهای آموزشی و طرح‌های درسی در مورد این موضوعات مهم باشند که محیط‌های یادگیری را ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند در مورد رسانه‌ها و بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود در مورد جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش رسانه‌ها در جامعه بیاموزند.

## آسیب شناسی رویکردهای موجود

در گروه اول، بسیاری از معلمان، سواد رسانه‌ای را به عنوان یک ابزار آموزشی، صرفاً از تلاش برای برانگیختن توجه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری، بدون آگاهی از پیشینه پژوهشی آن و نظریه‌های موجود در این زمینه به کار می‌برند (Abu-Fadil و همکاران، ۲۰۱۶). این دسته از معلمان، هنگامی که با استفاده از رویکردهای مشابه با دیگران ملاقات می‌کنند و در مورد "مفاهیم کلیدی" سواد رسانه‌ای می‌آموزند، و اولین مواجهه خود را با ادبیات و تحقیقات در حال ظهور در این زمینه دریافت می‌کنند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در گروه دوم که معلمان معمولاً خشونت رسانه‌ای، تبلیغات و مادی‌گرایی، کلیشه‌های نژادی یا جنسیتی، یا تمرکز مالکیت رسانه‌ها را برای آموزش به دانش‌آموزان مد نظر قرار می‌دهند، هنگامی که از «حکیم روی صحنه» به «راهنمای کناری» تبدیل می‌شوند (Potter, ۲۰۱۰)، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا به پیشرفت‌های ذیل نائل آیند:

(الف) عقاید و نگرش‌های خود را درباره رسانه‌های جمعی در جامعه تأمل کنند،

(ب) اطلاعات مربوط به موضوع را از نقاط مختلف جمع‌آوری کنند،

(ج) شواهد را در معرض تحقیقات انتقادی قرار دهند،

(د) با استفاده از طیف گسترده‌ای از ابزارهای تولید رسانه، پیام‌هایی برای مخاطبان معتبر ایجاد کنند.

برخی (اما نه همه) از این معلمان فعالان سیاسی متعهدی هستند که خود را وقف کارهای مهمی می‌کنند که به تغییر سیستم‌های قدرت رسانه‌ای که آنها را سرکوبگر می‌دانند کمک می‌کند (Falsafi, ۲۰۱۵). اما این معلمان به جای اتخاذ یک تلاش اساساً متقاعدکننده برای متقاعد کردن دانش‌آموزان به یک سیستم اعتقادی خاص در مورد رسانه، بر ارزش‌های تحقیق انتقادی و استقلال دانش‌آموز تأکید می‌کنند. هدف آنها ارائه تجارب یادگیری است که در آن دانش‌آموزان مهارت‌های تفکر انتقادی را تقویت می‌کنند تا به درک خود در مورد چگونگی مشارکت کامل به عنوان شهروندان و مصرف‌کنندگان در یک جامعه اشباع از رسانه‌ها برسند (Hattani, ۲۰۱۹).

## تأثیر آموزش سواد رسانه‌ای بر دانش‌آموزان

عمدتاً با تلاش معلمان متعهد، آموزش سواد رسانه‌ای از طریق مجاری بسیاری از جمله ادبیات، هنرهای زبان انگلیسی، مطالعات اجتماعی، هنرهای زیبا، مهارت‌های کتابخانه‌ای و فناوری آموزشی، آموزش حرفه‌ای و آموزش بهداشت وارد جهان دانش‌آموزان می‌گردد (Thoman و همکاران، ۲۰۰۳). برخی از مدارس عمده‌تاً بر مطالعه موضوعات رسانه‌ای یا تحلیل انتقادی پیام‌های رسانه‌ای تأکید دارند، در حالی که مدارس دیگر عمده‌تاً فرصت‌هایی را برای تولید رسانه‌ای در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند. مانند تمثیل مردان نابینا و فیل، واضح است که مربیان مختلف بخش‌هایی از فیل سواد رسانه‌ای را بدون اینکه لزوماً کل آن را درک کنند، برداشت می‌کنند. این تنوع شیوه‌ها منجر به برخی چالش‌های اساسی شده است، پرسش‌هایی که ممکن است شاغلین سواد رسانه‌ای را به گروه‌های مجزا تقسیم کنند، که هم پیشینه‌های فکری و تجربیات شاغلین مختلف و هم تفاوت‌های فلسفی و ایدئولوژیکی را منعکس می‌کند (Hobbs, ۱۹۹۸).

## تولید رسانه‌ای و هنرهای رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای در آموزش، بر معلمان به عنوان سازندگان رسانه تأکید دارد. این بدان علت است که معلمان معمولاً در حال تولید محتوا برای رسانه‌هایی نظیر اطلاعیه‌های خدمات عمومی، فیلم‌های روایی، موزیک ویدیوها، فیلمنامه‌های آموزشی، مقالات برای مجلات؛ و طراحی وب سایت و بازی‌های ویدئویی هستند (Share و همکاران، ۲۰۰۷). امروزه امکانات تولید رسانه در قالب نرم افزارهای متعدد، تقریباً در اختیار همگان قرار دارد. معلمان می‌توانند با بررسی این امکانات و شرکت در دوره‌های متعدد، نحوه کار با تجهیزات تولید رسانه از جمله دوربین، تجهیزات صدا و نرم افزارهای مربوطه را یاد می‌گیرند (Flores-Koulish, ۲۰۱۱).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با این حال، توجه به این نکته مهم است که مریدان سواد رسانه‌ای مدت‌هاست در مورد ارزش تولید رسانه‌ای به عنوان یک هدف قائم به ذات نگرانی دارند. بسیاری از متخصصان حوزه سواد رسانه معتقدند فعالیت عملی به خودی خود آموزش رسانه‌ای را تشکیل نمی‌دهد. فعالیت‌های تولید رسانه باید از توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی در مورد رسانه حمایت کند (AIT، HATTANI، ۲۰۱۹). با این حال امروزه، در نتیجه کاهش هزینه و افزایش در دسترس بودن فناوری‌های الکترونیکی، همراه با علاقه دانش‌آموزان به تولید رسانه، این گونه شیوه‌های آموزشی در سطح مدارس رشد مداومی داشته است.

## رویکردهای کشورهای مختلف به آموزش سواد رسانه ای

هر یک از کشورها سیستم آموزشی خاص خود را دارد. از آنجایی که آموزش مسئولیت کشورهاست، تفاوت‌هایی نیز در نحوه عملکرد آنها در آموزش سواد رسانه‌ای وجود دارد (Abu-Fadil و همکاران، ۲۰۱۶). اما همکاری آنها از طریق یک پروتکل رسمی منجر به گسترش سواد رسانه‌ای در سراسر دنیا شده است. در برخی کشورها، سواد رسانه‌ای یکی از چهار مهارت زبانی است و به عنوان بخشی از برنامه درسی زبان در تمام سطوح با رویکرد فرا درسی ارائه می‌شود. یکی از اهداف اصلی آموزش سواد رسانه‌ای در این کشورها کسب مهارت‌های تفکر انتقادی توسط دانش‌آموزان به عنوان یک شهروند دیجیتال برای استفاده آگاهانه و فعال از رسانه‌ها است (Xu، ۲۰۱۶). برای این منظور اهداف زیر برای برنامه درسی سواد رسانه‌ای در نظر گرفته شده است:

- نشان دادن درک از انواع متون رسانه ای؛

- برخی از اشکال رسانه‌ای را شناسایی کنید و توضیح دهید که چگونه قراردادهای تکنیک‌های مرتبط با آنها برای ایجاد معنا استفاده می‌شود.

- ایجاد انواع متون رسانه‌ای برای اهداف و مخاطبان مختلف، با استفاده از فرم‌ها، قراردادهای تکنیک‌های مناسب؛

- در مورد نقاط قوت، زمینه‌های بهبود، و استراتژی‌هایی که آنها برای درک و ایجاد متون رسانه‌ای مفیدتر می‌دانستند، تأمل کرده و شناسایی کنند

این اهداف در تمام سطوح تکرار می‌شوند و با رشد دانش‌آموزان گسترش می‌یابند. محتوا معمولاً به صورت پرسش محور ارائه می‌شود و دانش‌آموزان با کمک و راهنمایی معلم دانش شخصی خود را تولید می‌کنند. برای توسعه مهارت‌های سواد رسانه‌ای، دانش‌آموزان باید فرصت‌هایی برای مشاهده، تجزیه و تحلیل، و بحث در مورد طیف گسترده‌ای از متون رسانه‌ای داشته باشند و آنها را با تجربیات خود مرتبط کنند (Flores-Koulish، ۲۰۱۱). آنها همچنین باید فرصت‌هایی برای استفاده از فناوری‌های موجود برای ایجاد متون رسانه‌ای از انواع مختلف داشته باشند.

## یکپارچه سازی اهداف آموزشی برای دستیابی به سواد برای عصر اطلاعات

هیچ کمبودی در زبان یا تئوری‌ها در مورد وعده و پتانسیل سواد رسانه‌ای و فرهنگ عامه در آموزش وجود ندارد، زیرا نویسندگان دانشگاهی از بسیاری از رشته‌های مختلف، انتقادات خود را از رسانه، فناوری و فرهنگ عامه با فراخوانی، اغلب فوری و شیوا، به پایان می‌رسانند (Silverblatt، ۲۰۱۴). اما اگرچه توصیه سواد رسانه‌ای به عنوان پادزهر آسان است، تعریف و به





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اشتراک گذاری واقعیت‌های آموزش و یادگیری سواد رسانه‌ای دشوارتر است. در بررسی گزارش‌های مربوط به آموزش رسانه‌ای در بیش از ده‌ها کشور، آن‌ها تأکید کردند که آنچه از نظر نهادی در یک محیط مناسب است ممکن است در شرایط دیگر چنین نباشد. با این حال، کسانی که فرهنگ عامه را در کلاس درس می‌گنجانند، باید نسبت به هدف اصلی پاسخگو باشند: در دانش‌آموزان به اندازه کافی اعتماد به نفس و بلوغ انتقادی ایجاد کنند تا بتوانند قضاوت‌های انتقادی را در متون رسانه‌ای اعمال کنند. در آینده مواجهه خواهد شد (Xu, ۲۰۱۶). معلمان باید تجارب یادگیری را طراحی کنند که به دانش‌آموزان کمک کند تا در سریع‌ترین زمان ممکن روی پای خود بایستند، قادر به تجزیه و تحلیل انتقادی و ایجاد پیام در فرهنگ که به شدت با مجموعه‌ای از پیام‌های رسانه‌ای و ابزارهای فناوری در حال تغییر است، اشباع شده است.

سواد رسانه‌ای در برخی کشورها نه تنها از ابتکارات کشوری یا مدرسه‌ای، بلکه از انرژی پایین به بالا معلمان فردی که به روشی که استفاده از رسانه، فناوری و فرهنگ عامه برای بهبود کیفیت انگیزه دانش‌آموزان و بیان خود ارزش می‌گذارد، ظهور می‌کند. یا ارتباطات، یا کسانی که مشتاق کمک به جوانان برای درک، چالش و تغییر قدرت رسانه‌ها در حفظ روابط قدرت وضع موجود از طریق فعالیت اجتماعی و سیاسی هستند (Adams و همکاران، ۲۰۰۱). تلاش‌های مربیان برای آوردن سواد رسانه‌ای در محیط مدارس به ما یادآوری می‌کند که این کار برای افراد ضعیف نیست. آموزش سواد رسانه‌ای به شجاعت و پشتکار معلمان فردی بستگی دارد که از طیف گسترده‌ای از درک متفاوت در مورد نقش رسانه‌های جمعی و فرهنگ عمومی در جامعه الهام گرفته و انگیزه می‌گیرند.

## مسائل کلیدی

محققانی که ایده سواد رسانه‌ای را در نظر می‌گیرند، با چهار موضوع عمده مواجه هستند. اولین موضوع این است: رسانه‌ها چیستند؟ در زمینه سواد رسانه‌ای باید مشخص کنیم که منظورمان کدام رسانه است. برخی از محققان تنها بر یک رسانه (مانند تلویزیون یا رایانه) تمرکز می‌کنند، برخی بر روی یک نوع رسانه (چاپ یا تصویری) تمرکز می‌کنند، در حالی که برخی دیگر بسیار گسترده هستند و همه اشکال به اشتراک گذاری اطلاعات را شامل می‌شوند. محققان مختلف سواد رسانه‌ای را بر اساس رسانه‌های مختلف می‌دانند از جمله، تلویزیون، رسانه‌های تصویری تصاویر ثابت و متحرک، کامپیوترها (Adams و همکاران، ۲۰۰۱)، چند رسانه‌ای (Buckingham، ۱۹۹۳)، رسانه‌های دیجیتال (Nfissi، ۲۰۱۳)، و تمام فناوری‌هایی که اطلاعات را ارائه می‌دهند (Hobbs و همکاران، ۱۹۹۸؛ Potter، ۲۰۱۰). در دهه گذشته یا بیشتر، همگرایی در همه رسانه‌های جمعی، تمایز بین رسانه‌های جمعی را در مقایسه با شباهت‌ها نسبتاً بی‌اهمیت نشان داد (Potter، ۲۰۰۸). بنابراین آگاهی روزافزونی وجود دارد که سواد رسانه‌ای باید به همه اشکال رسانه توجه داشته باشد.

- مسئله دوم این است: منظور ما از سواد چیست؟ باز هم طیف وسیعی از تفکر وجود دارد. برخی سواد رسانه‌ای را در درجه اول بر حسب افزایش مهارت‌ها در نظر می‌گیرند و سایر محققان بر ایجاد دانش تمرکز دارند (Rochester، ۲۰۱۷). هنوز سایر محققان سواد رسانه‌ای را به عنوان یک فعالیت یا به عنوان یک عمل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. برخی از محققان دیدگاه بسیار گسترده‌ای دارند و در مورد سواد رسانه‌ای به عنوان فعالیتی می‌نویسند که هم نیاز به توسعه مهارت‌ها و هم ایجاد دانش دارد (Hobbs، ۱۹۹۶؛ Potter، ۲۰۰۴).





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مسئله سوم بدین شکل مطرح می‌گردد: کدام مهارت‌ها مهم هستند و کدام مجموعه‌ای از دانش به سواد رسانه‌ای کمک می‌کنند. بیشترین مهارت ذکر شده تفکر انتقادی است (Rochester, ۲۰۱۷)، اگرچه به نظر می‌رسد این واژه به عنوان یک ایده چتر برای مجموعه نامشخصی از فرآیندهای ذهنی استفاده می‌شود که توسط آن افراد پیام‌های رسانه‌ای را به چالش می‌کشند. در حالی که بیان مهارت‌ها و انواع دانش نادر است، چند نمونه وجود دارد. برای مثال، (Nfissi, ۲۰۱۳) اراده دهنده ایده تغییر فعالیت مغز از سمت چپ به سمت راست آن است. (Potter, ۲۰۰۴) و (۲۰۱۰) یک طرح نظری مبتنی بر مجموعه‌ای از هفت مهارت خاص (تحلیل، ارزیابی، گروه بندی، استقراء، استنتاج، ترکیب و انتزاع) و پنج مجموعه از ساختارهای دانش (اثرات رسانه، محتوای رسانه، صنایع رسانه، دنیای واقعی و خود).

موضوع چهارم این است: هدف از سواد رسانه‌ای چیست؟ اکثر نویسندگانی که به این سوال می‌پردازند می‌گویند که هدف این است که زندگی افراد را به نحوی بهبود بخشد، معمولاً این کار با کنترل بیشتر آنها بر نحوه تأثیرگذاری پیام‌های رسانه‌ای بر آنان صورت می‌پذیرد (Buckingham, ۱۹۹۳). بسیاری همچنین در مورد هدف سواد رسانه‌ای در یک برنامه درسی آموزشی صحبت می‌کنند (Aufderheide, ۱۹۹۷؛ Buckingham, ۱۹۹۳)، و برخی استدلال می‌کنند که سواد رسانه‌ای هدفی در فعالیت اجتماعی دارد (Buckingham, ۱۹۹۶). برای تجزیه و تحلیل کامل تر از طیف ایده‌ها در تعاریف، به (Potter, ۲۰۰۸) مراجعه کنید.

جالب است بدانید که تقریباً همه ایده‌های ارائه شده مکمل یکدیگر هستند، یعنی شواهد کمی دال بر بحث گروه‌های مختلف محققان در مورد اینکه کدام گروه بهترین تعریف را دارد، وجود دارد. به نظر می‌رسد یک توافق نسبتاً کلی در مورد برخی از ایده‌های اصلی و پذیرش کلی بسیاری از ایده‌های جانبی وجود دارد، به طوری که به نظر می‌رسد تفاوت‌های بین تعاریف بیشتر قابل ردیابی به آنچه هر محقق انتخاب می‌کند در یک تعریف خاص بر آن تأکید کند (Rideout و همکاران، ۲۰۱۰). برای نشان دادن این نکته، محققانی که در مورد سواد رسانه‌ای به عنوان روشی برای برخورد با پیام‌های تلویزیونی می‌نویسند، به نظر نمی‌رسد استدلال کنند که سایر پیام‌های رسانه‌ای نیز نباید مورد توجه قرار گیرند. در عوض آنها صرفاً تصمیم می‌گیرند که نوشته‌های خود را فقط روی تلویزیون متمرکز کنند. به همین ترتیب، محققانی که بر اهمیت توسعه مهارت‌ها تأکید می‌کنند و چیز زیادی در مورد اهمیت دانش نمی‌گویند، استدلال نمی‌کنند که کسب دانش مربوط به سواد رسانه‌ای نیست. در عوض، آنها بر وظیفه‌ای که اهمیت مهارت‌ها را مطرح می‌کنند، تمرکز می‌کنند (Nfissi, ۲۰۱۳).

## نقش سواد رسانه‌ای در آموزش

نقش سواد رسانه‌ای در آموزش چیست (یا چه باید باشد)؟ بسیاری از محققان مورد این موضوع نوشته اند. (Jenkins, ۲۰۰۹). برخی از محققان بیشتر به صورت تجویزی تا توصیفی در مورد نقش سواد رسانه‌ای در موسسات آموزشی نوشتند. کتاب آموزش رسانه‌ها توسط (Rochester, ۲۰۱۷) هنوز یک کتاب کلاسیک است، زیرا در مورد اینکه چرا آموزش رسانه‌ای بسیار مهم است و دیدگاهی در مورد چگونگی پرورش سواد رسانه‌ای بیشتر در دانش‌آموزان هنگام آموزش در مورد رسانه‌ها ارائه می‌کند. در عین حال، (Jenkins, ۲۰۰۹) استدلال قانع‌کننده‌ای برای اینکه چرا مدارس آمریکایی و برنامه‌های بعد از مدرسه باید توجه بیشتری را به پرورش سواد در مورد رسانه‌های جدید که گسترش عمده فرهنگ‌های مشارکتی را ایجاد کردند، ارائه کردند. آنها



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مجموعه‌ای از شایستگی‌های فرهنگی و مهارت‌های اجتماعی را که جوانان در چشم‌انداز رسانه‌های جدید به آن نیاز دارند، ارائه کردند.

روش‌های یادگیری می‌تواند شامل حل مسئله، کاوش، نمایش فیلم، پرسش و پاسخ، بحث و اجرا در قالب دادگاه‌ها و پروژه‌های قضایی باشد. همچنین بر یادگیری گروهی و تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله تأکید می‌شود. گاهی از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا از روش‌های فراشناختی برای بیان فرآیندهای ذهنی و تعامل هر مهارت زبانی در درک و ایجاد معنا استفاده کنند (Share و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین با استفاده از روش پیش سازماندهی، به دانش‌آموزان کمک می‌شود تا با تغییر ساختار دانش ذهنی خود، دانش قبلی خود را فعال کرده و دانش جدید تولید کنند. با این حال، در تأکید بر استفاده از سواد رسانه‌ای به عنوان یک روش جدید یادگیری، دانش‌آموزان باید قادر به جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف و ایجاد دانش باشند (Rideout و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، در برنامه درسی، معلم به احتمال زیاد یادگیری را تسهیل می‌کند و دانش‌آموزان با استفاده از اشکال مختلف چند رسانه‌ای در مورد فعالیت‌های یادگیری خود در یک چرخه توانمندسازی و جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف گزارش می‌دهند. گاهی نیز آموزش بیشتر معلم محور است تا دانش‌آموز محور و حتی بخشی از مطالب از طریق سخنرانی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

هدف اصلی ارزشیابی ارائه بازخورد به یادگیرنده برای بهبود فرآیند یادگیری است. در بسیاری از موارد بر خودارزیابی تأکید می‌شود و از منابع مختلفی برای جمع‌آوری اطلاعات برای ارزیابی استفاده می‌شود. در رویکرد عمیق تر به مساله ارزشیابی، یکی از اهداف برنامه درسی ارزشیابی برنامه درسی است، اما گاهی این هدف در برنامه‌های درسی دیده نمی‌شود. در رویکردهای خاصی از آموزش سواد رسانه‌ای که بیشتر در قالب برنامه غیر رسمی است، بر مهارت‌های فرآیندی تأکید می‌شود و به دانش‌محتوا کمتر توجه می‌شود چون هدف ارزشیابی امتیازی نیست (Scheibe و همکاران، ۲۰۰۸). در حالی که در برنامه‌های رسمی ارائه سواد رسانه‌ای، یکی از اهداف ارزشیابی امتیاز دادن است. علاوه بر این ارزشیابی کیفی در کنار ارزشیابی کمی گنجانده می‌شود. به علاوه می‌توان از این دیدگاه نیز مساله را مورد بررسی قرار داد که ارزشیابی بیشتر توسط معلم و یا بیشتر توسط دانش‌آموز انجام شود.

## نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر تلاشی برای کمک به تحقیقات در زمینه آموزش سواد رسانه‌ای است. در راستای این هدف، این پژوهش ابتدا، یافته‌های بررسی کمی، یک بررسی فراگیر از مقالات ارائه شده در حوزه ادغام آموزش سواد رسانه‌ای در آموزش معلمان ارائه می‌کند و در انتها این تحقیق سعی دارد چارچوبی را برای دست اندرکاران و سیاست‌گذاران ارائه دهد.

مهارت‌های سواد رسانه‌ای که به عنوان توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و تولید رسانه‌ها در اشکال مختلف تعریف می‌شود و تمایل به عمل بر روی این توانایی‌ها به نحوی که به نفع شهروندی سالم و دموکراتیک باشد، می‌تواند بخشی از پایه و اساس را فراهم کند. پیشگیری از مصرف مواد مداخلات سواد رسانه‌ای می‌تواند با تقویت پاسخ‌های منطقی کودکان به پیام‌های رسانه‌ای و افزایش آگاهی آنها از پاسخ‌های احساسی خود، روند پیشرفت انتظارات مصرف مواد از منفی به مثبت را متوقف کند (Jenkins، ۲۰۰۹). مهارت‌های تفکر انتقادی بهتر، فیلتر فعال‌تری را برای کودکان فراهم می‌کند که در آن تصاویر رسانه‌ای پردازش می‌شوند و رابطه بین قرار گرفتن در معرض رسانه و رفتارهای متعاقب مصرف مواد را کاهش می‌دهند. با توجه به



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فراگیر شدن و نفوذ پیام‌های رسانه‌ای بر جوانان امروزی، مربیان استدلال کرده‌اند که آموزش مهارت‌های سواد رسانه‌ای باید در اهداف آموزشی ادغام شود تا تصمیم‌گیری سالم و مسئولانه ارتقا یابد (Kupersmidt, ۲۰۱۰).

طرح‌ها و استراتژی‌هایی با هدف توسعه اجرای سواد رسانه‌ای در برنامه درسی مدارس گنجانده شده است. معلمان شرکت کننده به عنوان پیش‌بینی کننده‌های حمایت کننده برای توسعه آموزش سواد رسانه‌ای شناسایی می‌شوند. آنها آگاهی و اعتقاد بالایی در مورد آموزش مهارت‌های سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان نشان دادند، که می‌تواند از پذیرش شیوه‌های مبتنی بر شواهد حمایت کند. علاوه بر این، یکی از مهمترین عوامل در این زمینه پیشینه دیدگاه‌ها، نگرانی‌ها و عملکرد معلمان در مورد آموزش سواد رسانه‌ای در محیط‌های آموزشی است. یافته‌ها دلالت بر انگیزه معلمان برای فرصت‌هایی دارد که سواد رسانه‌ای برای اصلاح فرهنگ کلاس درس و تبدیل آن به فضایی است که دانش‌آموزان می‌توانند در آن بیاموزند، به اشتراک بگذارند، خود را ابراز کنند و دانش خود را توسعه دهند (Silverblatt, ۲۰۱۴). در نهایت، بهبود در سطح سیستم آموزش به معلمان به منظور سازگاری خود با چالش‌های هزاره حاضر بسیار حائز اهمیت است. گنجاندن سواد رسانه‌ای در بخش‌های آموزشی مستلزم یک تغییر پارادایم عمیق است. این نیاز به یک اصلاح اساسی در رویکرد سنتی از بالا به پایین در تنظیم برنامه‌ها و برنامه‌های درسی دارد که تلاش‌های همه همکاران را از طریق کانال‌های نهادی نوآورانه گرد هم می‌آورد.

برای ارتقا معلمان در آموزش سواد رسانه می‌بایست برنامه‌هایی را راه اندازی کرد که هدف آن فعال کردن معلمان، مربیان و مدیران برای استفاده مؤثر از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات باشد. این استراتژی دارای ملزوماتی کلیدی است: تجهیز مدارس با مواد و فناوری‌های دیجیتال لازم و ایجاد آموزش مداوم برای معلمان در مورد استفاده از این فناوری‌ها (Scheibe و همکاران، ۲۰۰۸). این برنامه‌ها در واقع باید به طور خاص برای تشویق استفاده از رسانه‌های دیجیتال در عملیات آموزشی و یادگیری با ارائه تجهیزات فناورانه و همچنین ارائه آموزش‌های مستمر به معلمان موضوعات مختلف آماده سازی گردد. گرچه سالانه تعدادی مقررات با هدف ریزی فعالیت‌های مدرسه مربوط به آموزش رسانه‌ها و رسانه‌ها صادر می‌شود، اکنون مدارس مستلزم داشتن تجهیزات دیجیتال لازم برای استفاده معلمان و دانش‌آموزان هستند تا دانش‌آموزان در برنامه‌ها و نرم افزارهای مفید مختلف مانند آموزش ببینند و معلمان با استفاده از این بستر به آموزش سواد رسانه‌ای بپردازند.

امروزه آموزش سواد رسانه‌ای به معلمان امری اجتناب ناپذیر است چرا که این قشر تمایل و علاقه خود را برای انطباق رویکرد به کارگیری رسانه در تدریس خود به منظور حمایت از آگاهی رسانه‌ای فراگیرندگانشان نشان داده اند. بنابراین، علیرغم این واقعیت که سواد رسانه‌ای به عنوان یک موضوع رسمی در برخی دوره‌ها تدریس می‌شود، به طور جامع در همه کلاس‌های درس به آن پرداخته نمی‌شود. بیشتر معلمان سواد رسانه‌ای را به روش‌های مختلف و از طریق فعالیت‌های مختلف در حین تدریس حوزه‌های موضوعی اصلی خود به کار می‌گیرند (Adams و همکاران، ۲۰۰۱). این فعالیت‌ها شامل بحث در مورد برنامه‌های تلویزیونی، تجزیه و تحلیل تصاویر و پوسترهای مجلات، تجزیه و تحلیل مقالات چاپی، نمایش فیلم‌ها و مستندها و ایجاد متون رسانه‌ای است. این نوع فعالیت در کلاس به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا روی مهارت‌های دریافت رسانه‌ای خود کار کنند و توانایی‌های تفکر انتقادی خود را توسعه دهند.

به این معنا که اجرای سازه‌های سواد رسانه‌ای در زمینه‌های آموزشی و یادگیری، رویکردهای سازنده‌گرا و مبتنی بر تحقیق را تشویق می‌کند. فعالیت‌های سواد رسانه‌ای فرصت‌هایی را برای فراگیران ایجاد می‌کند تا به جای گیرندگان منفعل، فعالانه در دانش‌سازی مشارکت کنند (Kellner و همکاران، ۲۰۰۸). سواد رسانه‌ای یک رویکرد یادگیری الهام بخش و انگیزشی است



زیرا تجربیات عادی روزمره یادگیرنده را هدف قرار می‌دهد، لذا لازم است تمامی معلمان دانش و آگاهی کاملی در این زمینه داشته باشند. امروزه دانش‌آموزان به طور فزاینده‌ای با اشکال مختلف رسانه درگیر هستند. بنابراین، فرآیند آموزش و یادگیری باید بر اساس درک بهتر نیازها و نگرش‌های فراگیران باشد تا راهبردهایی را انتخاب و اجرا کنند که به طور مؤثرتر به آنها برسد. در همین راستا، (Hobbs و همکاران، ۲۰۱۳) پیشنهاد می‌کنند که بهترین مربیان رسانه کسانی هستند که از نظریه‌های استفاده و رضایت استفاده می‌کنند تا فرصت‌های رسانه و فناوری را مطابق با نیازهای یادگیرندگان خود قرار دهند.

## مراجع

۱. Abu-Fadil, M., Jordi, T. & Grizzle, A. (Eds.) (2016). Opportunities for media and information literacy in the Middle East and North Africa. Nordicom: The International Clearinghouse on Children, Youth and Media.
۲. Adams, D. M., & Hamm, M. E. (2001). Literacy in a multimedia age. Norwood, MA: Christopher-Gordon.
۳. AIT HATTANI, H. (2019). Media Literacy Education in Secondary School: Teachers' Attitudes. *Journal of Media Research*, 12(1).
۴. Aufderheide, P. (1997). Media literacy: From a report of the National Leadership Conference on Media Literacy (pp. 79-86). In R. Kubey (Ed.) *Media literacy in the information age: Current perspectives, information and behavior*, vol. 6. New
۵. Buckingham, D. (1993). *Children talking television: The making of television literacy*. London: Palmer.
۶. Buckingham, D. (1996). Critical pedagogy and media education: A theory in search of a practice. *Journal of Curriculum Studies*, 28, 627-6۵۰.
۷. Buckingham, D. (2003). *Media education literacy, learning and contemporary culture*. Cambridge: Policy Press
۸. Christ, W. G., & Potter, W. J. (1998). Media literacy, media education, and the academy. *Journal of Communication*, 48(1): 5-15. DOI: 10.1111/j.1460-2466.survey.tb02733.x.25
۹. Falsafi, S. G. (2015). Comparative approach to media literacy in developing countries. *Media Studies*, 9(24), 159-17۴.
۱۰. Flores-Koulis, S. A. et al. (2011). After the media literacy course: Three early childhood teachers look back. *Action in Teacher Education*, 33(2): 127-143. DOI: 10.1080/01626620.2011.569308.
۱۱. Gainer, J. S. (2010). Critical media literacy in middle school: Exploring the politics of representation. *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, 53(5), 364-373.
۱۲. Hattani, Hanae. (2019). Media Literacy in Secondary School: Teachers' Attitudes. *Journal of Media Research*. 12. 10.24193/jmr.33.1.
۱۳. Hobbs, R & Frost, R. (1998). Instructional practices in media literacy education and their impact on students' learning. *New Jersey Journal of Communication*, 6(2): 123-148. DOI: 10.1080/15456879809367343.
۱۴. Hobbs, R. (2004). A review of school-based initiatives in media literacy education. *American Behavioral Scientist*, 48(1), 42-59.



۱۵. Hobbs, R. (2007). Reading the media in high school: Media literacy in high school English. New York: Teachers College Press
۱۶. Hobbs, R. & Cooper-Moore, D. C. (2013). Discovering media literacy: Teaching digital media and popular culture in elementary school. USA: Corwin.
۱۷. Irving, L. M., Dupen, J., & Berel, S. (1998). A media literacy program for high school females. *Eating Disorders*, 6(2), 119-131.
۱۸. Jenkins, H. (2009). Confronting the challenges of participatory culture: Media education for the 21st century (p. 145). The MIT Press.
۱۹. Jolls, T. (2008). Literacy for the 21st Century, CML MediaLit Kit, Center for Media Literacy: USA.
۲۰. Kellner, D. & Share, J. (2005). Toward critical media literacy: Core concepts, debates, organizations, and policy. *Discourse: studies in the cultural politics of education*, 26(3): 369-386. DOI: 10.1080/01596300500200169.
۲۱. Kubey, R. W. (Ed.). (1997). Media literacy in the information age: current perspectives.
۲۲. Kubey, R. (2003). Why U.S. media education lags behind the rest of the English-speaking world. *Television New Media*, 4(4): 351-370. DOI: 10.1177/1527476403255808.
۲۳. Kupersmidt, J. B., Scull, T. M., & Austin, E. W. (2010). Media literacy education for elementary school substance use prevention: study of media detective. *Pediatrics*, 126(3), 525-531.
۲۴. McDougall, J., Zezulcova, M., Van Driel, B., & Sternadel, D. (2018). Teaching media literacy in Europe: evidence of effective school practices in primary and secondary education, NESET II report.
۲۵. Nfissi, A. (2013). The state of the art of media and information literacy in Morocco. *Media and Information Literacy and Intercultural Dialogue*, 87.
۲۶. Potter, W.J. (2008). *Media Literacy: Thousand Oaks: U.S.*
۲۷. Potter, W. J. (2010). The state of media literacy. *Journal of broadcasting & electronic media*, 54(4), 675-696.
۲۸. Rideout, V. J., Foehr, U. G., Roberts, D. F., & Generation, M. (2010). superscript 2]: Media in the Lives of 8-to 18-Year-Olds. Henry J Kaiser Family Foundation.
۲۹. Rochester, Ramonia .R.(2017). A Critical Comparative Study of Media Literacy in Australia, England, and the United States, Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, Florida Atlantic University, Available at: [https://fau.digital.flvc.org/islandora/object/fau\\_3A39789](https://fau.digital.flvc.org/islandora/object/fau_3A39789).
۳۰. Scheibe, C. & Rogow, F. (2008). Basic Ways to Integrate Media Literacy and Critical Thinking into Any Curriculum, 3rd Ed, Project Look Sharp, Ithaca College: Williams Hall, Available at: [https://www.projectlooksharp.org/Resources\\_202/12BasicWaysBooklet.pdf](https://www.projectlooksharp.org/Resources_202/12BasicWaysBooklet.pdf)
۳۱. Share, J. & Jolls, T. & Thoman, E. (2007). Five Key Questions That Can Change the World: Lesson Plans for Media Literacy, CML MediaLit Kit, Center for Media Literacy, USA.
۳۲. Thoman, E. & Jolls, T. (2003). Literacy for the 21st century: An overview & orientation Guide to media literacy education. Center for Media Literacy (CML).
۳۳. Tornero, J. P., & Varis, T. (2010). Media literacy and new humanism (pp. 271-313). Moscow: UNESCO Institute for Information Technologies in Education.
۳۴. Xu, W. (2016). School initiative of media literacy education in the context of the national curriculum reform (pp. 119-132). In Cheung, C. K. (2016). *Media literacy education in China*. Singapore: Springer. Retrieved from



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

<http://gen.lib.rus.ec/book/index.php?md5=DC084BF38FC0B03D2F756B96EB8C4C42>  
October 7, 2015.

on